

[Afghanistan Digital Library](#)

adl0785

<http://hdl.handle.net/2333.1/fqz612q8>

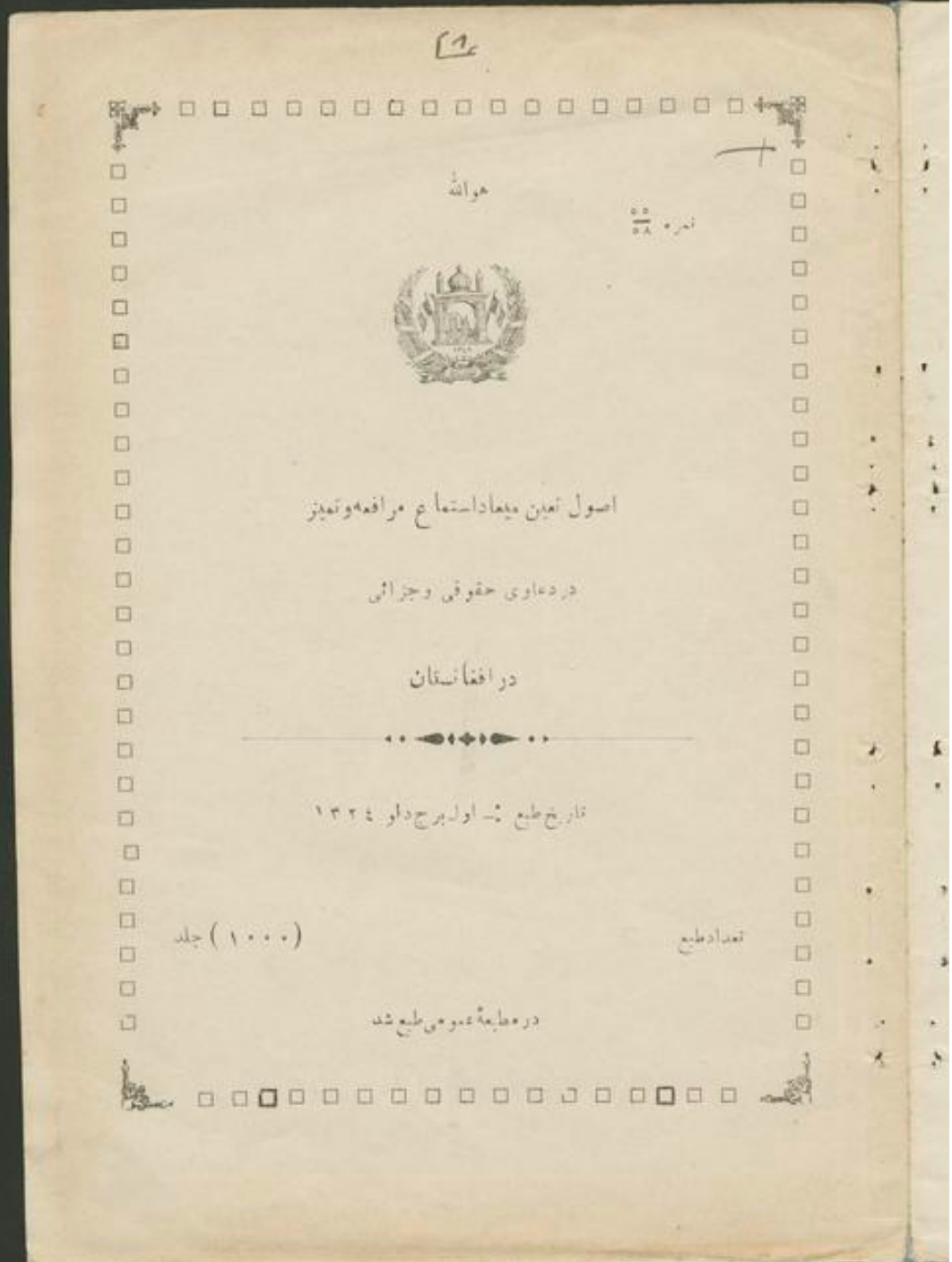


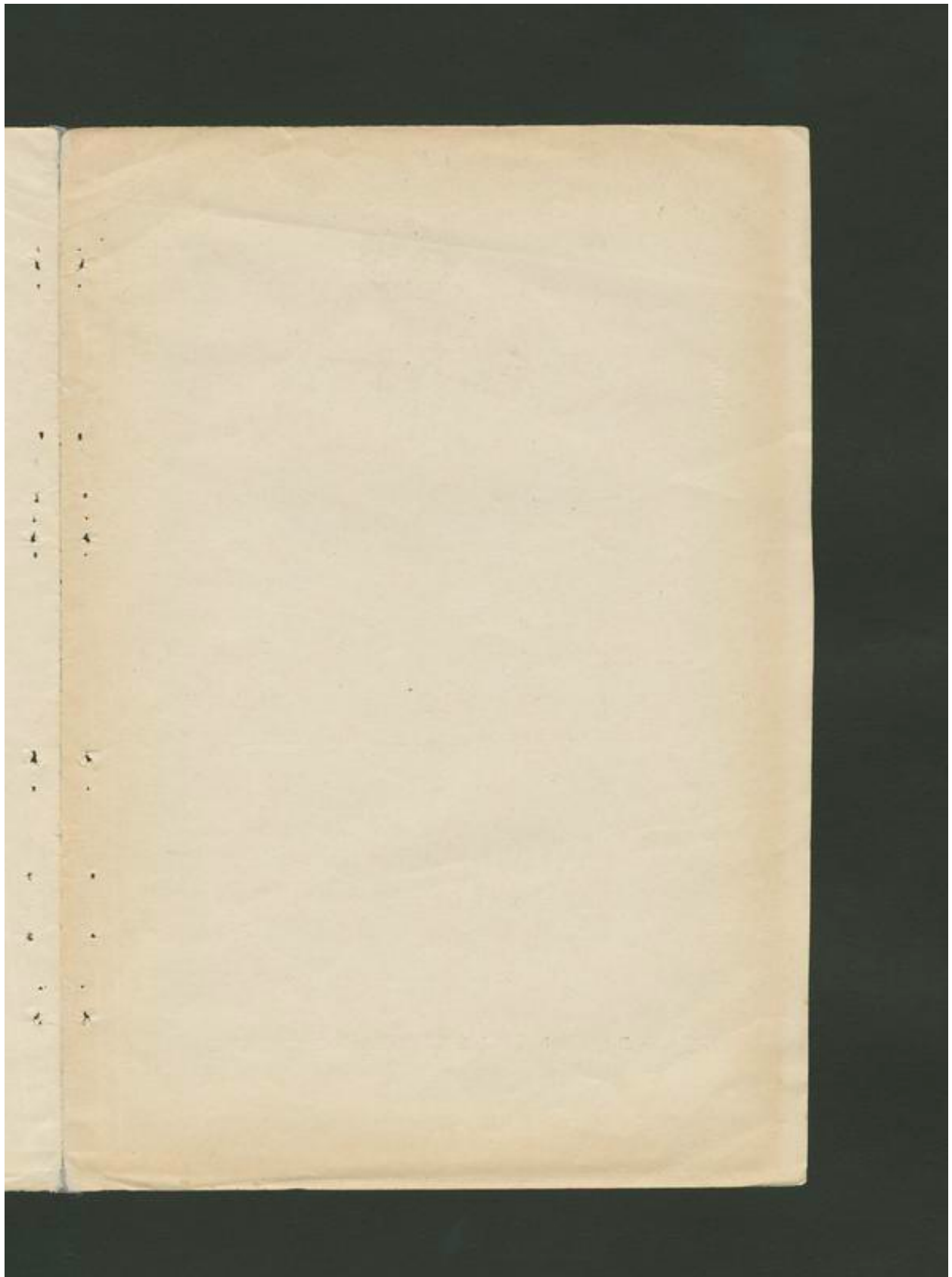
This is a PDF version of an item in New York University's Afghanistan Digital Library (<http://afghanistandl.nyu.edu/>). For more information about this item, copy and paste the "handle" URL above into a web browser.

When referring to or citing this item please use the "handle" URL and not this document or the URL from which you downloaded it.

All works presented on New York University's Afghanistan Digital Library website are, unless otherwise indicated, in the public domain. The images available on this website may be freely reproduced, distributed and transmitted by anyone for any purpose, commercial or non-commercial.

NYU Libraries, Digital Library Technical Services, dlts@nyu.edu







بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

- اصول تعین میعاد استماع مرافعه و تمیز در
دعای حقوقی و جزائی
۱. قضات محاکم از ابتدائیه و با مرافعه
در دعای حقوقی و جزائی فیصله صادره
رایه محکوم فهمانده و موضوع محکومیت
را در کتاب دوبارچه درج نموده یکبارچه
رایه محکوم علیه یا محکوم علیهم تسلیم
و یک بارچه دیگر در دیوان قضا حفظ می شود
در ظهر ورقه مذکور میعاد مرافعه طلبی و تمیز
خواهی مندرج است
۲. در دعای حقوقی و جزائی مدت
مرافعه طلبی از تاریخ ابلاغ فیصله در ماه و تمیز
خواهی از تاریخ ابلاغ سه ماه می باشد
۳. میعاد استماع دعای شفع یک ماه و از
سائر دعای حقوقیه الی یازده سال
است
۱. ابتدائیه و مرافعه در محکوم قاضیان
به به جزائی و حقوقی دعوی کس خیلہ کری
فیصلہ محکوم تہ ورشیں او در محکومیت موضوع
به به دوہ تو نیز کتاب کبی لکی : ۱۰۰ نوٹہ به
محکوم علیہ یا محکوم علیہم تہ ور کوی اولہ
نوٹہ به قضایہ دیوان کبی سائل کہتری
دوغی دالہ پر شاہ مرافعی او تمیز غیشلو مدہ
لیکای دہ .
۲. به جزائی و حقوقی دعوی کس دمر افعی
غوشٹلو مدہ فیصلی داور بدلو لہ تہی خندہ دہ ی
میاشتی او د تمیز غوشٹلو بہہ دہی میاشتی دہ
۳. د شفعی د دعوی د داور بدلو مدہ یوہ میاشتہ
د دور و حقوقی دعو د مدہ تر پشٹلو کلو
پوری دہ .

تبصره

بعد از مرور میعاد مذکور جهت اصل ۳ و ۴
دعوی مدعی بدون عذر شرعی قابل سمع
نیست.

۲. تشخیص که در ظرف مدت های معینه اصل
۳ و ۴ صورت ادعای خود را یکی از مقامات
سالحه عرض نموده و بر این فیصله آن نا
اقتضای میعاد استماع دعاوی به محکمه حاضر
نشود بعد دعوی آن پذیرفته نمی شود.

۵. مرجع تقدیم اعتراض مرافعه طلبی
حقوقی اجزائی قوماندان های امنیه.

حکام کلان و ثلاثه و محاکم مرافعه و برای
تمیز خدای حکام اعلی نائب الحکومه ها
وزارت عالی تمیز و وزارت عدلیه
می باشد.

۶. مقام صلاحیت دار که در خواست
مرافعه طلبی یا تمیز خواهی را اخذ میکند باید
برای عارض مذکور رسماً رسید داده
و باوریت فیصله و اوراق مربوطه آنرا بمقام
مربوطه ارسال کند اگر بدون عذر معقول در
ارسال اوراق مربوطه آن مساعد شده باشد از
مامور مسئول بازخواست خواهد شد و حداکثر
باید مامور مسئول تا مدت ده روز اوراق
را بمراجعش ارسال نماید.

تبصره

۳ و ۴ اصل داد اخلی مدعی له تهر بدو خجسته
و در سته دعوای مدعی بهی له شرعی عذر
نه اور بدله کپری.

۲. هفت سری چه ۳ و ۴ اصل به معینو
مدو کتبی دخیلی دعوی صورت بوصالح مقام
تهور اندی کری او بیاد هقی دعوی دخیلی دیار
دعوی داوریدلو دیتی لرتیر بدو بهی حکمی
ته حاضر نهشی لوپس له هقی دعو نه قبل بیری
۵. به حقوقی او جزائی دعوی کتبی دمرافعی
غو غبتلو د عریضو دو را اندی کو لو خای
دامنی قوماندانان.

لوی او دری واره حاکمان اود مرافعی
محکمی او دتمیز غو غبتلو دیار اعلی حاکمان
نائب الحکومه گان او دتمیز عالی ریاست او
دعدایی وزارت دی.

۶. هفت صلاحیت لونی مقام چه دمرافعه
طلبی یا دتمیز غو غبتلو درخواست اخلی شائی
چه عرض والا نه رسمی رسیدور کری او فیصله
او مربوطی پالی می به چکنیا سره مربوطه
مقام ته و لپری که چیری بی له بود معقوله
عذر ددعو پالو به لپری او کتبی خشنه شوی وی
له مسئول ما مور خجسته به یوبشنه و کری شی او
باید مدی چه مسئول مامور دی تر لسو ورخو
پوری پالی خیلی مرجع ته و لپری.

- ۷: در دعاوی جزائی اگر از طرف محکوم علیه یا مدعی حق العید درخواست مراقبه طلبی رسیده یا رسید باشد و از اوقاف و فصله صادره بمقامات بالا دست هر بوطه بر ای این از نظر به اقدامات استثنائی تقدیم می شود
- ۸: پس از اینکه محکوم علیه در داخل مدت مراقبه طلبی و یا تمیز خواهی خود را بمقام صالح تقدیم نموده معطلی او راق هر بوطه در جریان اداری سبب تضییع حق مراقبه طلب: بابت تمیز طلب نشده و مو شوع بمحکمه مراقبه و بابت تمیز تحت رسیدگی قرار میگردد
- ۹: باستثنای مواردیکه اجرای آنها بعد از طی محاکم ثلاثه منوط بمنظوری و اجازه حضور اعلیحضرت هدایولی است در صورتیکه تا ختم مدت مقرر چه از طرف حکومت و یا محکوم علیه بامدعی حق العید مراقبه طلبی و بابت تمیز خواهی نشود فیصله محکمه قطعیت حاصل نموده و دیگر قابل ذوران نیست
- ۱۰: مدعی بها تا قطعیت فیصله ۱۱: از آنکه در اثر گذشتن مدت های مراقبه و یا تمیز و عدم مراقبه طلبی و تمیز خواهی باشد و یا در اثر صدور فیصله رباست عالی تمیز باشد به تصرف و ایل باقی می ماند
- ۷: که در محکوم علیه یا بحق العید مدعی له خوا به جزائی دعوی کتبی در افعی غوثی و در خواست رسیدگی وی او که به وی منکر یا نبی او صادره فیصله به د نظری دور اگر او ادعای اقد مانود یا رد او در هر بوطه مقام نه و راندی کتبی
- ۸: در و سته لهغه چه محکوم علیه در مراقبه طلبی یا د تمیز غوثی و به داخله مدعی کتبی خیل خان یو صالح مقام نه و راندی کتبی یا داری جریان کتبی در هر بوطه یا مو شوع در افعی غوثی و تکی بابت تمیز غوثی و تکی بحق د ضایع کتبی و سبب نه کتبی او مو شوع به د مراقبه به محکمه او تمیز کتبی دعوی راندی یا بول کتبی
- ۹: دهغو قضیو شخه بر نه چه اجرائی در ری محکمو شخه و روسته هدایولی اعلیحضرت د حضور به اجازه و منظور می یوری از برای نوری قضی به دی صورت کتبی چه د معیش مدعی تر تیر بدو یوری حکومت باده محکوم علیه و یا بحق العید مدعی له خوا در افعی یا د تمیز غوثی و نه شتی نو د محکمی فیصله قطعی کتبه کتبی او بورد د گزید و قابله نه ده
- ۱۰: مدعی به به د فیصلی تر قطعی حکم یوری د ذوالبدیه تصرف کتبی یا قه وی برابر ده چه د احکم د مراقبه او یا تمیز د مدو د تیر بدو او د مراقبه او تمیز نه غوثی و به اثر وی او که د تمیز دعای ریاست د فیصلی د صا در بدو به اثر وی

تیسر

محکوم علیه که در محکمه مراقبه یا تمیز شکایت می نماید اکثر اشیات او تنها بر نفس فیصله محکمه متوجری باشد اگر چه مدعی بها مرقتاد تصرف او می ماند

۱۱: اگر محکوم له ابتدائیه یا مراقبه تقاضا نماید در محکمه امر میکند که مدعی بهای غیر منقول اقطاع فیصله فروخته یا از من شده و بواسطه ضمانت تحت مراقبت قرار ده شود - و نیز از هر گونه تصرفی که موجب ضرر و زیان مدعی بها باشد جلوگیری شود

۱۲: راجع به مدعی بهای اموال منقوله و بابتین ذمه کی پس از محکوم شدن مدعی علیه در محکمه ابتدائیه به تقاضای محکوم له محکمه امر میکند تا عادل مدعی بها از اموال غیر منقوله یا وجوه نقد یا اموال منقوله که انتساب ملکیت آنها به محکوم علیه مسلم باشد یا عین اموال منقوله مدعی بها موقتاً تا قطعیت فیصله ابتدائیه از بیع رهن و تحت ضمانت دادن جلوگیری شود و یا بمقدار مدعی بها از محکوم علیه ضامن رجوع گرفته شود

۱۳: اگر محکوم علیه در داخل مدت مراقبه طلبی یا تمیز خواهی یا بعد از جریان دعوی در محکمه مراقبه یا تمیز قناعت

تیسره

هغه محکوم علیه چه در افعی به محکمه او یا تمیز کینی شکایت کوی دهغه اعترا ضوته به یو ځی د محکمې بر فیصلې باندی وی که شه هم مدعی به او موقتاً به تصرف کینی یا ته وی

۱۱: که چیری د ابتدائی او مراقبه محکوم له تقاضا و کړی او محکمه به امر کوی چه فیصلی تر قطعی حکم پورې به غیر منقولی دعوو شوی مال له خرڅېزې او نه کړې پېرې او نه په پاد ضمانت کینی وړ کول کېږی - دغه رنگه به له هر قسم خرڅېزې نه چه ضرر او زیان سبب شوی هم سائل کېږی

۱۲: منقوله مالونو او ذمه کی دین به قضیه کینی چه مدعی علیه به ابتدائیه محکمه کینی محکوم شوی او د محکوم له به تقاضا به محکمه امر کوی چه د دعوو شوی مال په اندازه د مدعی علیه ادعیه منقولی مالونو یا نقد و پیسو او یا منقوله مالونو څخه چه د ملکیت نسبت شوی ده ته مسلم وی یا به خپله دعوه شوې منقوله مالونه د ابتدائی محکمی تر قطعی فیصلی پورې له خرڅو او کړو کولو او ضمانت کینی دور کولو څخه وسائل شوی او یا د دعوو شوی مال په اندازه له مدعی علیه څخه ضامن واخستل شوی

۱۳: که چیری محکوم علیه در فعه طلبی او تمیز خواهی به مدد کینی یا د مراقبه به محکمه او یا تمیز کینی دعوی له چاری کېدو

خود را به فیصله محکمه ابتدائیه
یا مراجع در مسایل حقوقی قسبه یا
جزائیه
اظهار کرد در هر محکمه شریعتی که اقرار
خط شرعی از او گرفته می شود
۱۴ - در صورتیکه محکوم علیه در محکمه
ابتدائیه در يك حادثه متعدد باشد و قضیه
در محکمه مرافعه و یا تمیز تحت رسیدگی
قرار گیرد محکمه را جمع به تمام محکوم
علیهم تشد بدآ یا احقفا فیصله صادر
می نماید اگر چه بعضی از محکوم علیه
بفیصله محکمه یائین تر هم قناعت کرده باشد
۱۵ : در حالیکه در محکمه ابتدائی
مدعی علیه بری الذمه شود و مدعی حق العبد
قناعت ننموده و مرافعه طلبی نماید قضیه
به مجلس مشوره محول نشود به محاکم
شرعیه طبق مقررات موضوعه جریان می یابد
و پس از اصدار فیصله تمیز در صورت برائت
منهم فیصله قطعی بوده و بمجلس مشوره
قابل جریان نیست - اگر مدعی حق العبد
تمیز خواهی نکند فیصله مرافعه قطعیت
نداشته قضیه به مجلس مشوره مطرح
می شود
۱۶ : اگر در محکمه ابتدائیه محکوم
علیهم متعدد بوده و بعضی بری الذمه شده باشد
در حالیکه مدعی حق العبد را جمع به بری الذمه
خنده و رسته به حقوقی و جزائی مسئلو کتبی
دائمی محکمی او باد مرافعه به فیصله بالندی
خیل قناعت بشکاره گیری
اوپه هر دو در کثرت شرعی محکمه کتبی به
لحه شخصه شرعی اقرار خطا غسل گیری
۱۷ : که چندی به یوه حادثه کتبی دائمی
محکمی محکوم کید و لکی خونه وی او دغه قضیه
دمرافعه او باد تمیز محکمی نه دغور کولو دیاره
ورشی نو دام محکمی به دقو محکوم کید و لکی
باره کتبی حیل سخته او با اسانه فیصله صادر وی
که خه هم خیتونی در ا کشته محکمی به فیصله
بالندی قناعت گیری وی
۱۸ : که چندی مدعی علیه به ابتدائیه محکمه
کتبی بری الذمه شد مگر حق العبد مدعی قناعت
و نه گیری و مرافعه طلبش او به دی صورت کتبی
به قضیه مشوری مجلس نه سیارل گیری بلکه
به شرعی محکمو کتبی به دایشودل شو و مقررات
سرمسم چلبیزی و تمیز د فیصلی له و تلو خه
و رسته دمنهم در ائمه صورت کتبی دغه فیصله
قطعی ده او د مشوری مجلس نه و و و اتدی گیری
لاکن که چندی در حق العبد دعوی گیر تمیز طلب
شی به دی صورت کتبی دمرافعه فیصله قطعی نه
او قضیه به مشوری مجلس نه و و اتدی گیری
۱۹ : که چندی به ابتدائیه محکمه کتبی محکوم
کید و لکی خونه وی او و خیتونی بری الذمه
شوی وی به داسی حال کتبی چه د حق العبد مدعی

مراقبه طلبی ننماید اول قضیه از جنبه حق الله
 به مجلس مشوره تقدیم میگردد. اگر راجع
 به سائر محکوم علیهم در خواست مراقبه
 طلبی بمقام صالح تقدیم شده باشد حقوق
 مراقبه طلبی محفوظ مانده و بعد از فیصله
 مجلس مشوره او راق مر بوطه و فیصله
 ابتدائیه بمحکمه مراقبه بفرس غور تقدیم
 میگردد.

۱۷: تمام مسایل حقوقیه قبل
 از جریان در محکمه ابتدائیه نباید هیچ
 نوعی از انواع چه بعنوان اخذ نظر به
 وارسیدگی بمحکمه مراقبه ریاست عالی
 تمیز تسلسل بسم و تحت غور قرار داده
 شود.

زیر وظیفه محکمه مراقبه و یا تمیز تنها اینست
 که از طریق اصولی فیصله های
 ابتدائیه و یا مراقبه راجع غور و رسیدگی
 قرارداد و فیصله خود را صادر نماید تنها
 فضاقت ابتدائیه یا مراقبه عنداللزوم برای
 توسعه معلومات خود می توانند از مقام
 مراقبه و یا ریاست عالی تمیز سلسله و از
 استهداء نموده مطابق آن در اجرای وظیفه
 قضائیه خود رفتار نمایند.

۱۸: سه مواد که تحت عنوان تعیین ميعاد
 استماع مراقبه و تمیز و دعاوی حقوقیه بتاریخ

دیری الذمه به باره کتب مراقبه طلبی نشو
 قضیه اول بحق الله جنبی شخصه مشوره مجلس
 نه تقدیم بکبری که چیری دتواو محکومو کبدو
 نکویه باره کتب مراقبه غوینتواو در خواست
 صالح مقام نه و راندی شوی وی نو در مراقبه طلبی
 حقوق سائل کبری مشوره و در مجلس له فیصلی
 شخصه و رسته مر بوطی یانی او د ابتدائیه فیصله
 د غور د باره در مراقبه محکمی نه و راندی کبری
 ۱۷: نقولی حقوقی مسئلی د ابتدائیه محکمی
 له جریان شخصه دمنه باید چه به هیچ نامه
 د نظری داخستلویه عنوان وی او که خبر بدو
 او غور کولویه عنوان وی در مراقبه محکمی
 یاد تمیز عالی ریاست نه و راندی نشو او نه غور
 لاندی و نیولی شی

بلکه چه در مراقبه او تمیز وظیفه به اخی داده چه
 به اصولی لار د ابتدائیه او مراقبه فیصلی د غور
 او اجرا لاندی و نیولی او خیله فیصله به کتب
 صادره کری د ابتدائیه او مراقبه قاضیان سرف
 دا کولای شی چه د لزوم به وخت کتب دخیلو
 معلوما تو د زیاتو لو دیار در مراقبه او تمیز
 دعاوی ریاست له غا بو شخصه به سلسله سره هدا
 بتونه واخلی او دهغو مطابق دخیلو قضائی
 وظیفه به اجرا کتب رفتار و کری

۱۸: هغه دری ها دی چه به دی عنوان
 (در مراقبه او تمیز او د حقوقی د غور دا و ر بدو)

۱۰. سرطمان ۱۳۱۴ نشر شده بعد ازین
تاریخ ملعی است.
۱۹. با اجرای احکام این اصولنامه
وزارت داخلیه و عدلیه ماموراند
اصولنامه هذارادر جمله اصولنامه های
موضوعه منظور و اجرای آن را امر وادارده
می نمائیم مورخه ۲۷ سنبله ۱۳۲۴
مطابق ۱۲ ماه شوال ۱۳۶۴
۱۰. کال دسرطمان به ۱۰
نشرشوی دی نه دی وخت شخه و به سته لغود
۱۹. ددی اصولنامه د حکم و نویه اجرا
کو او باندی د دا خلای و عدایی و زار نو
نه مامور دی
دا اصولنامه د نور و اصولنامه نویه جمله
موضوعه منظور و اجرای آن را امر وادارده
می نمائیم مورخه ۲۷ سنبله ۱۳۲۴
مطابق ۱۲ ماه شوال ۱۳۶۴



